

قانون داوری تجاری بین المللی

فصل اول - مقررات عمومی

ماده ۱ - تعاریف و قواعد تفسیر

تعریف اصطلاحاتی که در این قانون به کار رفته است به قرار ذیل می باشد:

الف - «داوری» عبارت است از رفع اختلاف اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا انتصابی.

ب - داوری بین المللی عبارتست است از اینکه یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داوری به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد.

ج - «موافقتنامه داوری» توافقی است بین طرفین که به موجب آن تمام یا بعضی از اختلافاتی که در مورد یک یا چند رابطه حقوقی معین اعم از قراردادی یا غیر قراردادی بوجود آمده یا ممکن است پیش آید، به داوری ارجاع می شود. موافقتنامه داوری ممکن است به صورت شرط داوری در قرارداد و یا به صورت قرارداد جداگانه باشد. د - «داور» اعم از داور واحد یا هیأت داوران است.

ه - منظور از «دادگاه» در این قانون یکی از دادگاههای تشکیلات قضایی جمهوری اسلامی ایران می باشد.

و - در هر موردی که در این قانون به توافق موجود بین طرفین یا توافقی که بعد حاصل شود اشاره شده باشد، مراتب مشمول مقررات داوئری مصرحه در آن توافق نیز خواهد بود.

ماده ۲ - قلمرو اجرا

۱. داوری اختلافات در روابط تجاری بین المللی اعم از خرید و فروش کالا و خدمات، حمل و نقل، بیمه، امور مالی، خدمات مشاوره ای، سرمایه گذاری، همکاریهای فنی، نمایندگی، حق العمل کاری، پیمانکاری و فعالیتهای مشابه مطابق مقررات این قانون صورت خواهد پذیرفت.

۲. کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می توانند داوری اختلافات تجاری بین المللی خود را اعم از اینکه در مراجع قضایی طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در مرحله که باشد با تراضی، طبق مقررات این قانون به داوری ارجاع کنند.

ماده ۳- ابلاغ اوراق و اخطاریه ها

در صورتی که بین طرفین راجع به نحوه و مرجع ابلاغ اوراق مربوط به داوری توافقی صورت نگرفته باشد، به یکی از طرق ذیل عمل خواهد شد:

الف - در داوری سازمانی، نحوه و مرجع ابلاغ مطابق مقررات سازمان مزبور خواهد بود.

ب - داوری می تواند رأساً نحوه و مرجع ابلاغ را مشخص کند و بر اساس آن اوراق داوری را برای طرفین ارسال دارد.

ج - متقاضی داوری میتواند در خواست ارجاع امر به داوری را از طریق نامه سفارشی دو قبضه، پیام تصویری، تلکس و تلگرام و اظهارنامه و نظایر آن برای طرف دیگر ارسال دارد، درخواست مزبور وقتی ابلاغ شده محسوب می شود که:

۱. وصول آن به مخاطب محرز باشد.

۲. مخاطب بر طبق مفاد درخواست اقدامی کرده باشد.

۳. مخاطب نفیاً یا اثباتاً پاسخ مقتضی داده باشد.

ماده ۴- شروع جریان داوری

الف - داوری از زمانی شروع می شود که در خواست داوری بر اساس مفاد ماده (۳) این قانون به خواننده داوری ابلاغ شده باشد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ب - جز در مواردی که ترتیب دیگری بین طرفین مقرر شده باشد، در خواست داوری باید حاوی نکات ذیل باشد:

۱. درخواست ارجاع اختلاف به داوری.

۲. نام و نشانی طرفین.

۳. بیان ادعا و خواسته آن.

۴. شرط داوری و یا موافقتنامه داوری.

در خواست داوری ممکن است حاوی اطلاعاتی در مورد تعداد داوران و چگونگی انتخاب آنان به شرح مذکور در فصل سوم این قانون و همچنین راجع به موافقتنامه ها، قراردادهای و یا وقایعی که موجب بروز اختلاف شده است، باشد.

ماده ۵ - انصراف از حق ایراد

در صورتی که هر یک از طرفین با علم به عدم رعایت مقررات غیر آمره این قانون و یا شرایط قابل عدول موافقتنامه داوری، داوری را ادامه دهد و ایراد خود را فوراً و یا در مهلتی که به این منظور تعیین شده است، اقامه نکند، چنین تلقی خواهد شد که از حق ایراد صرف نظر کرده است.

ماده ۶ - مرجع نظارتی

۱. انجام وظایف مندرج در ماده (۹)، بندهای (۳) و (۴) ماده (۱۱) بند (۳) ماده (۱۳)، بند (۱) ماده (۱۴)، بند (۳) ماده (۱۶)، ماده (۳۳) و ماده (۳۵) به عهده دادگاه عمومی واقع در مرکز استانی است که مقرر داوری در آن قرار دارد و تا زمانی که مقرر داوری مشخص نشده، به عهده دادگاه عمومی تهران است.

تصمیمات دادگاه در این موارد قطعی و غیر قابل اعتراض است.

۲. در داوری های سازمانی انجام وظایف مندرج در بندهای (۲) و (۳) ماده (۱۱) بند (۳) ماده (۱) و بند (۱) ماده (۱۴) به تهده سازمان داوری مربوط است.

فصل دوم - موافقتنامه داوری

ماده ۷ - شکل موافقتنامه داوری

موافقتنامه داوری باید طی سندی به امضای طرفین رسیده باشد، یا مبادله نامه، تلکس، تلگرام، یا نظایر آنها بر وجود موافقتنامه مزبور دلالت نماید. یا یکی از طرفین طی مبادله در خواست یا دفاعیه، وجود آنرا ادعا کند و

طرف دیگر عملاً آنرا قبول نماید. ارجاع به سندی در قرارداد کتبی که متضمن شرط داوری باشد نیز به منزله موافقتنامه مستقل داوری خواهد بود.

ماده ۸ - موافقتنامه داوری و دعوای مطروحه نزد دادگاه

دادگاهی که دعوای موضوع موافقتنامه داوری نزد آن اقامه شده است باید در صورت درخواست یکی از طرفین تا پایان اولین جلسه دادگاه، دعوای طرفین را به داوری احاله نماید، مگر اینکه احراز کند که موافقتنامه داوری باطل و ملغی الاثر یا غیر قابل اجرا می باشد.

طرح دعوا در دادگاه مانع شروع و یا ادامه جریان رسیدگی داوری و صدور رأی داوری نخواهد بود.

ماده ۹ - موافقتنامه داوری و قرار تأمین یا دستور موقت

هر یک از طرفین، قبل یا حین رسیدگی داوری می تواند از رئیس دادگاه موضوع ماده (۶) صدور قرار تأمین و یا دستور موقت را در خواست نماید.

فصل سوم -

ماده ۱۰ - تعداد داوران

تعیین تعداد داوران برعهده طرفین اختلاف است. در صورت عدم تعیین، هیأت داوری مرکب از سه عضو خواهد بود.

ماده ۱۱ - تعیین داوران

۱. طرفهای اختلاف می توانند با توجه و رعایت مقررات بندهای (۳) و (۴) این ماده در مورد روش تعیین داور توافق نمایند. طرف ایرانی نمی تواند مادامی که اختلاف ایجاد نشده است به نحوی از انحا ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آنرا به داوری یک یا چند نفر مرجوع نماید که آن شخص یا اشخاص دارای همان تابعیتی باشند که طرف یا اطراف وی دارند.

۲. در صورت نبودن چنین توافقی به ترتیب زیر اقدام خواهد شد:

الف - برای تعیین هیأت داور، هر طرف داور خود را انتخاب می کند و داوران منتخب، سرداور را تعیین خواهند کرد. چنانچه یک از طرفین ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ شروع داور، داور خود را تعیین و قبول وی را تحصیل نکند یا اگر داوران از تاریخ شروع داور، داور خود را تعیین و قبول وی را تحصیل نکند یا اگر داوران منتخب نتوانند ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ انتخاب در مورد سرداور توافق و قبولی وی را تحصیل نمایند، بنا به تقاضای یکی از طرفین حسب مورد تعیین داور طرف ممتنع یا سرداور طبق مقررات ماده (۶) صورت خواهد گرفت.

ب - در داور یک نفره، اگر طرفین نتوانند در مورد انتخاب داور به توافق برسند، داور بنا به تقاضای یکی از طرفین توسط مرجع موضوع ماده (۶) صورت خواهد گرفت.

۳. هر گاه بر اساس روش تعیین داور که مورد توافق طرفین قرار گرفته است، یکی از طرفین اقدام نماید یا طرفین و یا داوران منتخب به توافق نرسند و یا اینکه شخص ثالث، اعم از حقیقی یا حقوقی به وظیفه ای که در این خصوص به وی محول شده است، عمل ننماید، هر کدام از طرفین می تواند برای اتخاذ تصمیم به مرجع موضوع ماده (۶) مراجعه نماید مگر اینکه طریق دیگری مورد توافق طرفین قرار گرفته باشد.

۴. مقام ناصب باید کلیه شرایطی را که طرفین در موافقتنامه برای تعیین «داور» مقرر داشته اند رعایت نموده و استقلال و بی طرفی «داور» را ملحوظ نماید. در هر صورت سرداور را باید از اتباع کشور ثالث انتخاب نمایند و داور طرف ممتنع از بین اتباع کشور طرف دیگر منصوب نخواهد شد.

۵. هر گاه در موافقتنامه داور طرفین ملتزم شده باشند که صورت بروز اختلاف شخص یا اشخاص معینی داور نمایند و آن شخص و یا اشخاص نخواهند یا نتوانند بعنوان داور رسیدگی کنند، موافقتنامه داور ملغی الاثر خواهد بود مگر آنکه طرفین به داور شخص یا اشخاص دیگری تراضی کنند یا به نحو دیگر توافق کرده باشند.

۶. در مواردی که داور بیش از دو طرف داشته باشد و طرفها به نحو دیگری توافق ننموده باشند هیأت داور به ترتیب زیر تعیین خواهد شد:

الف - خواهان یک داور تعیین خواهد کرد و در صورت تعدد، خواهانها مشترکاً یک داور تعیین خواهند کرد. داور خوانده یا خواندگان نیز به همین روش تعیین می شود.

چنانچه خواهانها یا خوانندگان در مورد خود به توافق نرسند داور هر یک از طرفین (خواهانها یا خوانندگان) بوسیله مرجع موضوع ماده (۶) تعیین خواهد شد.

ب - تعیین سرداور بر عهده داوران منتخب است و در صورتی که به توافق نرسند سرداور توسط مرجع موضوع ماده (۶) تعیین می شود.

ج - هرگاه در مورد خواهان یا خواننده بودن یک یا چند طرف داوری، اختلاف باشد هیأت داوری مرکب از سه نفر به انتخاب مرجع موضوع ماده (۶) خواهد بود.

د- سایر موارد در داوریه‌های چند جانبه از جمله جرح و قصور تابع مقرراتی است که برای داوریه‌های دو جانبه مقرر شده است.

ماده ۱۲- موارد جرح داور

۱. «داور» در صورتی قابل جرح است که اوضاع و احوال موجود باعث تردیدهای موجهی در خصوص بی طرفی و استقلال او شود، و یا اینکه واجد اوصافی که مورد توافق و نظر طرفین بوده است، نباشد. هر طرف صرفاً به استناد علی که پس از تعیین «داور» از آنها مطلع شده، می تواند داوری را که خود تعیین کرده و یا در جریان تعیین او مشارکت داشته است، جرح کند.

۲. شخصی که بعنوان داور مورد پیشنهاد قرار می گیرد، باید هر گونه اوضاع و احوالی را که موجب تردید موجه در مورد بی طرفی و استقلال او می شود، افشا نماید. «داور» باید از موقع انتصاب بعنوان «داور» و در طول جریان داوری نیز بروز چنین اوضاع و احوالی را بدون تأخیر به طرفین اطلاع دهد، مگر اینکه قبلاً آنان را از اوضاع و احوال مذکور مطلع نموده باشد.

ماده ۱۳- تشریفات جرح

۱. طرفین می توانند در مورد تشریفات جرح «داور» توافق نمایند.

۲. در صورت نبودن چنین توافقی، طرفی که قصد جرح «داور» را دارد باید ظرف (۱۵) روز از تاریخ اطلاع از تشکیل «داوری» یغا اطلاع از هرگونه اوضاع و احوال مذکور در بند (۱) ماده (۱۳) دلایل جرح را طی لایحه ای

به «داور» اعلام کند. «داور» در مورد جرح اتخاذ تصمیم می کند، مگر اینکه «داور» مورد جرح از سمت خود کناره گیری کند و یا طرف مقابل نیز جرح را بپذیرد.

۳. جرحی که با رعایت تشریفات بندهای (۱) و (۲) این ماده به عمل آمده است اگر مورد قبول قرار نگیرد، طرفی که «داور» را جرح کرده می تواند ظرف سی (۳۰) روز پس از دریافت اختاریه حاوی تصمیم مربوط به رد جرح، از مرجع موضوع ماده (۶) درخواست نماید که نسبت به جرح، رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. مادام که چنین درخواستی تحت رسیدگی است «داور» می تواند جریان داوری را ادامه داده و رأی نیز صادر کند.

ماده ۱۴- قصور و یا عدم امکان انجام وظیفه

۱. اگر یک داور بموجب قانون یا عملاً قادر به انجام وظایف خود نباشد و یا بنا به علل دیگری موفق به انجام وظایفش بدون تأخیر موجه نشود، مسوولیت وی خاتمه می یابد. چنانچه در تحقق موارد مذکور بین طرفین اختلاف باشد هر یک از آنها می تواند از مرجع مذکور در ماده (۶) درخواست کند که در مورد ختم مأموریت «داور» مزبور اتخاذ تصمیم نماید.

۲. صرف کناره گیری و یا موافقت طرف دیگر یا ختم مأموریت «داور»، به معنای قبول اعتبار و صحت دلایل جرح، قصور، یا عدم قدرت برانجام وظیفه نخواهد بود.

ماده ۱۵ - تعیین داور جانشین

هرگاه مأموریت یک «داور» به موجب مواد (۳۹) یا (۱۴) یا به علت کناره گیری، یا به لجاظ توافق طرفین در خصوص لغو مأموریت او و یا به جهات و دلایل دیگری خاتمه پذیرد «داور» جانشین مطابق مقررات حاکم بر تعیین داوری که تغییر یافته است، تعیین می شود.

فصل چهارم - صلاحیت «داور»

ماده ۱۶ - اتخاذ تصمیم در مورد صلاحیت

۱. «داور» می تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری اتخاذ تصمیم کند. شرط داوری که بصورت جزئی از یک قرارداد باشد از نظر اجرای این قانون به عنوان موافقتنامه ای مستقل

تلقی می شود، تصمیم «داور» در خصوص بطلان و ملغی الاثر بودن قرارداد فی نفسه به منزله عدم اعتبار شرط داوری مندرج در قرارداد نخواهد بود.

۲. ایراد به صلاحیت «داور» نباید موخر از تسلیم لایحه دفاعیه باشد. صرف تعیین «داور» و یا مشارکت در تعیین وی توسط هر یک از طرفین مانع از ایراد صلاحیت نخواهد بود ایراد به خروج «داور» از حدود صلاحیت در جریان رسیدگی داوری باید به محض بروز آن عنوان شود «داور» می تواند در هر کدام از موارد مذکور، ایراد خارج از موعد را نیز بپذیرد، مشروط بر آنکه تأخیر را موجه تشخیص دهد.

۳. در صورت ایراد به اصل صلاحیت و یا به وجود و یا اعتبار موافقتنامه داور (جز در صورتی که طرفین به نحو دیگر توافق کرده باشند) «داور» باید بعنوان یک امر مقدماتی، قبل از ورود به ماهیت دعوی نسبت به آن اتخاذ تصمیم کند، اتخاذ تصمیم در مورد ایراد خروج «داور» از حدود صلاحیت که سبب آن در حین رسیدگی حادث شود ممکن است در ضمن رأی ماهوی بعمل آید. چنانچه «داور» به عنوان یک امر مقدماتی به صلاحیت خود نظر بدهد، هر یک از طرفین می تواند ظرف سی (۳۰) روز پس از وصول ابلاغیه آن از دادگاه مندرج در ماده (۶) درخواست کند که نسبت به موضع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید. مادام که درخواست مزبور در دادگاه تحت رسیدگی است «داور» می تواند به رسیدگی خود ادامه دهد و رأی نیز صادر کند.

ماده ۱۷- اختیار «داور» برای صدور دستور موقت

«داور» می تواند در امور مربوط به موضوع اختلاف که محتاج به تعیین تکلیف فوری است، به درخواست هر کدام از طرفین دستور موقت صادر نماید، مگر آنکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند «داور» می تواند مقرر نماید که متقاضی تدمینی مناسب بسپارد. در هر دو صورت چنانچه طرف دیگر تدمینی بدهی که متناسب با موضوع دستور موقت باشد «داور» از دستور موقت رفع اثر خواهد کرد.

فصل پنجم - نحوه رسیدگی داوری

ماده ۱۸ - رفتار مساوی با طرفین

رفتار با طرفین باید به نحو مساوی باشد و به هر کدام از آنان فرصت کافی برای طرح ادعا یا دفاع و ارائه دلایل داده شود.

ماده ۱۹- تعیین قواعد رسیدگی

۱. طرفین می توانند به شرط رعایت مقررات آمره این قغانون در مورد آئین رسیدگی داوری توافق نمایند.

۲. در صورت نبودن چنین اتوافقی «داور» با رعایت مقررات این قانون، داوری را به نجو مقتضی اداره و تصدی می نماید. تشخیص ارتباط، موضوعیت و ارزش هرگونه دلیل بر عهده «داور» است.

ماده ۲۰- محل داوری

۱. داوری در محل مورد توافق طرفین انجام می شود. در صورت عدم توافق، محل داوری با توجه به اوضاع و احوال دعوا، و سهولت دسترسی طرفین، توسط «داور» تعیین می شود.

۲. «داور» می تواند برای شور بین اعضاء، استماع شهادت شهود و کارشناسان طرفین، یا بازرسی کالا و سالی راموال و یا اسناد و مدارک، در ه رمحلی که خود مقتضی بداند تشکیل جلسه دهد، مگر طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۲۱- زبان

طرفین می توانند در مورد زبان یا زبانهای مورد استفاده در رسیدگی داوری توافق نمایند. در غیر اینصورت «داور» زبان یا زبانهای مورد استفاده در داوری را تعیین می کند. توافق طرفین یا تصمیم «داور» در این مورد شامل هر گونه لایحه، مدرک و دلیل طرفین، مذاکرات جلسات رسیدگی، مراسلات «داور» و صدور رأی خواهد بود.

ماده ۲۲- در خواست و دفاعیه

۱. خواهان باید ظرف مهلتی که طرفین توافق کرده اند یا توسط «داور» تعیین شده است، تعهدات یا جهات دیگری که به موجب آن خود را مستحق می داند، همچنین نکات مورد اختلاف و خواسته یا خسارت مورد درخواست را ارایه کند، و خوانده نیز باید دفاعیه خود در خصوص موارد مذکور را ظرف مهلت مورد توافق یا تعیین شده توسط «داور» تسلیم کند.

طرفین می توانند کلیه مدارکی را که مرتبط تشخیص می دهند و یا فهرست مدارک یا سایر اداله ای که در نظر دارند بعداً تسلیم کنند همراه با درخواست یا دفاعیه خود تقدیم دارند.

۲. چنانچه بین طرفین ترتیب دیگری مقرر نشده باشد، هر یک از آنها می تواند دادخواست یا دفاعیه خود را در طول رسیدگی داورى اصلاح یا تکمیل کند، مگر آنکه «داور» چنین اصلاح یا تکمیلی را به علت تأخیر یا تبعیض نسبت به طرف دیگر مجاز تشخیص ندهد.

ماده ۲۳- جلسه استماع و رسیدگی

۱. تشخیص لزوم تشکیل جلسه برای ارایه ادله و توضیحات برعهد «داور» است لکن در صورتی که یکی از طرفین در زمان مناسب درخواست تشکیل جلسه نماید، برگزار نمودن جلسه استماع الزامی است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

۲. «داور» باید تشکیل هر گونه جلسه استماع و یا جلسه رسیدگی برای بازرسی کالا و یا سایر اموال و یا مدارک طرفین را تا مهلت کافی به طرفین ابلاغ کند.

۳. کلیه لوایح، مدارک یا سایر اطلاعاتی که توسط یکی از طرفین به «داور» تسلیم شده و همچنین گزارش کارشناسی یا ارزیابی با مدارکی که ممکن است، «داور» هنگام اتخاذ تصمیم به آنها استناد کند، باید برای طرفین ابلاغ شود.

ماده ۲۴ - قصور هر کدام از طرفین

۱. چنانچه خواهان بدون عذر موجه در تقدیم در خواست قصور کند، «داور» قرار ابطال درخواست داورى را صادر خواهد کرد.

۲. در صورتی که خوانده بدون عذر موجه در تقدیم دفاعیه قصور کند «داور» رسیدگی را ادامه خواهد داد، بدون اینکه کوتاهی مزبور فی نفسه به معنای قبول ادعای خواهان توسط خوانده تلقی شود.

۳. اگر هر یک از طرفین از حضور در جلسه استماع و یا ارایه ادله مورد استناد خویش خودداری کند «داور» می تواند رسیدگی را ادامه دهد و بر اساس مدارک موجود به صدور رأی مبادرت کند.

ماده ۲۵- ارجاع امر به کارشناس

«داور» می تواند در مواردی که لازم بداند موضوع را به کارشناسی ارجاع و مقرر کند که هر کدام از طرفین هرگونه اطلاعات مرتبط را در اختیار کارشناس قرار دهد و موجبات دسترسی وی را به مدارک مربوط، کالا، یا سایر اموال برای انجام بازرسی فراهم آورد، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

در صورتی درخواست یکی از طرفین و یا در صورتی که «داور» لازم بداند کارشناس باید پس از تقدیم گزارش کتبی، در جلسه استماع نیز شرکت کند و به سؤالات پاسخ بگوید، طرفین نیز می توانند به منظور ادای شهادت در خصوص نکات مورد اختلاف، کارشناس یا کارشناسانی را به عنوان شاهد خود معرفی کنند.

ماده ۲۶ - ورود شخص ثالث

هرگاه شخص ثالثی در موضوع داوری برای خود مستقلاً حقی قابل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی نفع بداند، می تواند مادام که ختم رسیدگی اعلام نشده است وارد داوری شود، مشروط بر اینکه موافقتنامه و آئین داوری و «داور» را بپذیرد و ورود وی مورد ایراد هیچ کدام از طرفین واقع نشود.

فصل ششم - ختم رسیدگی و صدور رأی

ماده ۲۷ - قانون حاکم

«۱. داور» بر حسب قواعد حقوقی که طرفین در مورد ماهیت اختلاف برگزیده اند، اتخاذ تصمیم خواهد کرد. تعیین قانون یا سیستم حقوقی یک کشور مشخص، به هر نحو که صورت گیرد، به عنوان ارجاع به قوانین ماهوی آن کشور تلقی خواهد شد، قواعد حل تعارض مشمول این حکم نخواهد بود، مگر اینکه صرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

۲. در صورت عدم تعیین قانون حاکم از جانب طرفین «داور» بر اساس قانونی به ماهیت اختلاف رسیدگی خواهد کرد که به موجب قواعد حل تعارض مناسب تشخیص دهد.

«۳. داور» در صورتی که طرفین صریحاً اجازه داده باشند، می تواند بر اساس عدل و انصاف یا به صورت کدخدامنشانه تصمیم بگیرد.

«۴. داور» باید در کلیه موارد بر اساس شرایط قرارداد اتخاذ تصمیم کند، و عرف بازرگانی موضوع مربوط را مورد نظر قرار دهد.

ماده ۲۸ - سازش

چنانچه طرفین در جریان رسیدگی، اختلافات خود را از طرفین سازش حل کنند «داور» قرار سقوط دعوای داوری را صادر می کند و چنانچه یکی از طرفین تقاضا کند و طرف مقابل اعتراض نکند، موافقتنامه سازش را به صورت رأی داوری بر اساس شرایط مرضی الطرفین با رعایت مفاد ماده (۳۰) صادر می کند.

ماده ۲۹ - اخذ تصمیم توسط گروه داوران

در داوریهایی که توسط بیش از یک داور صورت می گیرد، هر تصمیم هیأت داوری باید با اکثریت اعضای هیأت داوری اتخاذ شود. مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۳۰ - شکل و محتوای رأی

۱. رأی باید به صورت کتبی باشد و به امضای داور یا داوران برسد. در موردی که داور بیش از یک نفر باشد، امضای اکثریت کافی خواهد بود، مشروط بر اینکه علت عدم امضای دیگر اعضاء ذکر شود.

۲. کلیه دلایلی که رأی بر آنها مبتنی است، باید در متن رأی آورده شود، مگر اینکه طرفین توافق کرده باشند که دلایل رأی نشود، یا رأی بر اساس شرایط مرضی الطرفین به موجب ماده (۲۸) صادر شده باشد.

۳. رأی باید حاوی تاریخ و محل داوری موضوع بند (۱) ماده (۲۰) باشد.

۴. پس از امضای رأی، رونوشت آن باید به تریک از طرفین ابلاغ شود.

ماده ۳۱ - ختم رسیدگی

رسیدگی داوری با صدور رأی نهایی یا به موجب دستور «داور» در موارد زیر خاتمه می یابد:

۱. استرداد دعوا توسط خواهان مگر اینکه خوانده بدان اعتراض نماید و «داور» برای وی منافع قانونی و وجهی در حل و فصل نهایی اختلاف احراز نماید.

۲. عدم امکان و یا عدم لزوم ادامه رسیدگی به دلیل دیگر به تشخیص «داور».

۳. توافق طرفین در ختم رسیدگی

ماده ۳۲ - اصلاح، تفسیر رأی و رأی تکمیلی

۱. «داور» می تواند بنا به تقاضای هر یک از طرفین یا رأساً هر گونه اشتباه در محاسبه، نگارش و یا اشتباهات مشابه در رأی را اصلاح و یا از آن رفع ابهام کند.

مهلت تقاضای طرفین سی (۳۰) روز از تاریخ ابلاغ رأی می باشد، و باید نسخه ای از تقاضای مزبور برای طرف دیگر ارسال شود. «داور» حداکثر ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ وصول تقاضا و در مواردی که رأساً متوجه اشتباه یا ابهام شده باشد، ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ صدور رأی، نسبت به اصلاح یا تفسیر آن اقدام خواهد کرد.

۲. هر کدام از طرفین می تواند ضمن ارسال اظهاریه برای طرف دیگر، ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ دریافت رأی، از «داور» تقاضا کند نسبت به ادعاهایی که اقامه کرده، ولی در رأی مسکوت مانده است رأی تکمیلی صادر کند. «داور» چنانچه این درخواست را موجه تشخیص دهد، ظرف شصت (۶۰) روز نسبت به صدور رأی تکمیلی اقدام می کند. «داور» می تواند در صورت لزوم مهلت مزبور را تمدید کند.

۳. مقررات ماده (۳۰) در مورد اصلاح، تفسیر و رأی تکمیلی لازم الرعایه است.

فصل هفتم - اعتراض به رأی

ماده ۳۳ - در خواست ابطال رأی

۱. رأی داوری در موارد زیر به درخواست یکی از طرفین توسط دادگاه موضوع ماده (۶) قابل ابطال است:

الف - یکی از طرفین فاقد اهلیت بوده باشد.

ب - موافقتنامه داوری به موجب قانونی که طرفین ب رأی موافقتنامه حاکم دانسته اند معتبر نباشد و در صورت سکوت قانون حاکم، مخالف صریح قانون ایران باشد.

ج - مقررات این قانون در خصوص ابلاغ اظهاریه های تعیین دار یا در خواست داوری رعایت نشده باشد.

د - در خواست کنند ابطال، به دلیلی که خارج از اختیار او بوده، موفق به ارائه دلایل و مدارک خود نشده باشد.

ه - «داور» خارج از حدود اختیارات خود رأی داده باشد. چنانچه موضوعات مرجوعه به داوری قابل تفکیک باشد، فقط آن قسمتی از رأی که خارج از حدود اختیارات «داور» بوده، قابل ابطال است.

و- ترکیب هیأت داوری یا آئین دادرسی مطابق موافقتنامه داوری نباشد و یا در صورت سکوت و یا عدم وجود موافقتنامه داوری، مخالف قواعد مندرج در این قانون باشد.

ز- رأی داوری مشتمل بر نظر موافق و مؤثر داوری باشد که جرح او توسط مرجع موضوع ماده (۶) پذیرفته شده است.

ح - رأی داوئری مستند به سندی بوده باشد که جعلی بودن آن به موجب حکم نهایی ثابت شده باشد.

ط - پس از صدور رأی داوری مدارکی یافت شود که دلیل حفانیت معترض بوده و ثابت شود که آن مدارک را طرف مقابل مکتوم داشته و یا باعث کتمان آنها شده است.

۲. در خصوص موارد مندرج در بندهای (ح) و (ط) این ماده، طرفی که از سند مجعول یا مکتوم متضرر شده است، می تواند پیش از آنکه در خواست ابطال رأی داوری را به عمل آورد، از «داور» تقاضای رسیدگی مجدد نماید، مگر در صورتی که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

۳. در خواست ابطال رأی موضوع بند (۱) این ماده ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ رأی داوری اعم از رأی تصحیحی، تکمیلی یا تفسیری به معترض، بایند به دادگاه موضوع ماده (۶) تقدیم شود، والا مسموع نخواهد بود.

ماده ۳۴- بطلان رأی

در موارد زیر رأی «داور» اساساً باطل و غیر قابل اجراست:

۱. در صورتی که موضوع اصلی اختلاف به موجب قوانین ایران قابل حل و فصل از طریق داوری نباشد.

۲. در صورتی که مفاد رأی مخالف با نظم عمومی یا اخلاق حسنه کشور و یا قواعد آمره این قانون باشد.

۳. رأی داوری صادره در خصوص اموال غیر منقول واقع در ایران با قوانین آمره جمهوری اسلامی ایران و یا با مفاد اسناد رسمی معتبر معارض باشد، مگر آنکه در مورد اخیر «داور» حق سازش داشته باشد.

فصل هشتم - اجرای رأی

ماده ۳۵ - اجرا

۱. به استثنای موارد مندرج در مواد (۳۳) و (۳۴) آرای داوری که مطابق مقررات این قانون صادر شود قطعی و پس از ابلاغ لازم الاجرا است و در صورت درخواست کتبی از دادگاه موضوع ماده (۶) ترتیبات اجرای احکام دادگاهها به مورد اجرا گذاشته می شوند.

۲. در صورتی که یکی از یطرفین از دادگاه موضوع ماده ۶ این قانون درخواست ابطال رأی داوری را به عمل آورده باشد و طرف دیگر تقاضای شناسایی یا اجرای آن را کرده باشد، دادگاه می تواند در صورت درخواست متقاضی شناسایی یا اجرای رأی، مقرر دارد که درخواست کننده ابطال تأمین مناسب بسپارد.

فصل نهم - سایر مقررات

ماده ۳۶ - سایر مقررات

۱. داوری اختلاف تجاری بین المللی موضوع این قانون از شمول قواعد داوری مندرج در قانون آئین دادرسی مدنی و سایر قوانین و مقررات مستثنی است.

۲. این قانون نسبت به سایر قوانین جمهوری اسلامی ایران که به موجب آنها اختلافات خاصی را نمی توان به داوری ارجاع کرد، تأثیری نخواهد داشت.

۳. در صورتی که در معاهدات و توافقیهای فی مابین دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر دول ترتیبات و شرایط دیگری برای داوریهای موضوع این قانون مقرر شده باشد، همان ترتیبات و شرایط متبع خواهد بود.

قانون فوق مشتمل بر نه فصل و سی و شش ماده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و ششم شهریور ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۶/۷/۹ به تأیید شورای نگهبان رسید است.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی اکبر ناطق نوری